

نوذر پرنگ

غزل سرا*

شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این مجموعه بجز یک غزل به وسیله دوستان شاعر نام گذاری شده است. همین بی‌اعتنایی سبب شده بود که در پی گردآوری و چاپ آثار خود برنیاید. از او دو مجموعه فرصت درویشان (به کوشش سعید نیاز کرمانی، ۱۳۶۵)؛ و آن سوی باد (به همت بیژن ترقی و با تحلیل‌هایی از همو و مهدی برهانی) انتشار یافته است که مجموعه دوم، مجموعه نخست را نیز دربردارد.

بخش عمده‌ای از شعر پرنگ بازآفرینی یا بازتولید شعر کهن فارسی است. خود او هم در لابه لای شعرهایش این موضوع را پنهان نکرده و به‌ویژه، از ارادت دیر و دورش به حافظ سخن گفته است. البته پرنگ به استقبال سروده‌هایی از غزل‌سرای بزرگ ایران در سده هشتم قمری رفته است و حافظانگی‌های شعری‌اش درخور توجه است. اما باید گفت که بخش‌های مضمون‌پردازانه و تو

تقی حاج‌آخوندی (متولد ۱۳۱۶، تهران) از اواخر دهه ۱۳۳۰ با نام شاعرانه و زیبای نوذر پرنگ در میان شعرخوانان ایرانی شناخته شد. کار خود را از ترانه‌سرایی آغاز کرد و سپس به‌عنوان غزل‌سرا مشهور شد. غزل‌های او چنانکه در مقدمه کتاب او، آن سوی باد، آمده، نخست در مجله سخن به چاپ می‌رسید. پرنگ همچنین در دهه‌های سی و چهل با مجلات دیگر نظیر روشنفکر و چند نشریه دیگر همکاری می‌کرد. وی مدتی هم به‌عنوان ترانه‌سرا با رادیو و سینما کار کرد. مرحوم پرنگ از همان جوانی از شهرت و چاپ اشعار خود گریزان بود و شعرهایی هم که گاهی در مجلات به چاپ می‌رسید به اصرار دوستانش بود. بی‌اعتنایی او به سروده‌هایش به حدی بود که اشعارش به‌وسیله دوستان او نام‌گذاری می‌شد؛ چنانکه خود در مقدمه فرصت درویشان می‌نویسد: «همه شعرهای

معاصر فارسی هم از لا به لای شعرهایش سرک می‌کشد. شعرهای - ظاهراً - تازه نوذر پرنگ، بیشتر در وزن شکسته‌نیمایی است و اغلب تم عرفانی دارد. وی، در نخستین قدم کوشید با شعر نو معاصر همراه باشد و از نظر مضمون تا حدودی زیاد موفق بود. اما نوع عرفانی‌ای که مطرح می‌کرد و گاهی به عریانی بیان می‌داشت، آنقدر آشکار و باز بود، که ابهام و ابهام شاعرانه را از آنها می‌گرفت. البته پرنگ از قدیم هم شعر نیمایی می‌نوشت. هرچند این شعرها اغلب ذهنی و تاریک بودند، و بیشتر در قالب دوبیتی‌های پیوسته ظاهر می‌شدند. اما نگاه امروزی و نیمایی متداول آن سال‌ها را داشتند. در شعر وی همه چیز صمیمی و بی‌تصنع بود. و نوعی پیری زودرس از همان ابتدا، گریبان این شاعر دردمند را گرفته بود و شاید همین روحیه نگذاشت که آرام شود.

از نوذر پرنگ این آثار به‌جا مانده‌اند: *آشنایی با میانی زبان‌شناسی، اتیومولوژی و زبان اوستایی و پهلوی؛ مجموعه شعر فرصت درویشان؛ مجموعه شعر آن سوی باد؛ مقالاتی در حوزه ادبیات و نقد ادبی همچون «نظری بر مقدمه حافظ سایه».* از ترانه‌های او که برای بسیاری از هم‌نسلانش خاطره‌انگیز است، می‌توان به "اسب ابلق سم طلا"، "فنجون طلا"، "کلاغ‌پر"، "غزال" و "کلاغ‌ها" اشاره کرد.

غزل زیر از اوست:

در آن زمان که به رقص هلاک برخیزم
چرا فسرده و اندوهناک برخیزم
سلامت دل ازین در کجا برم بیرون
اگر ز سایه تیغ هلاک برخیزم
چو لاله خرقه آلوده را زدم آتش
که در هوای تو چون زاله پاک برخیزم
ز می نبود گریزم که همچو نیلوفر
بر آب تکیه زدم تا ز خاک برخیزم
«پیااله بر کفتم بند» تا به دور بهار
چو لاله جام به کف زیر تاک برخیزم
ز شوق روی تو باشد که روز رستاخیز
ز خاک با کفن چاک چاک برخیزم
نوذر پرنگ شامگاه یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

*برای مطالعه بیشتر درباره نوذر پرنگ و شعر او بنگرید به: «شیون مهتاب در آب، نقد و بررسی شعر نوذر پرنگ، گفت‌وگو با منوچهر آتشی، سید علی موسوی گرمارودی و کامیار عابدی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال هشتم، شماره ۸، خرداد ۱۳۸۴ (پیاپی ۹۲)، ص ۴-۱۳.

در توی شعر حافظ بیشتر مورد توجه این شاعر بوده تا بخش‌های گسترده‌تری که در آن، زبان و تصویر و تمثیل به شکوهی غریب در شعر فارسی می‌انجامد.

در زمینه نشانه‌های معنایی، جز عشق که موضوعی بسیار عام و گسترده در شعر سنتی و سنت‌گراست، می‌توان به حضور نوعی تلقی درویشانه (و گاه، قلندرانه) از جهان و هستی در شعر پرنگ اشاره کرد: طعن و لعن ریاکاران و نفرت نسبت به دروغ، این پلشتی بزرگ در کنار این تلقی قرار می‌گیرد. اگر حتی بخشی از حافظانه‌های «پیدا و پنهان» شاعر را به کنار نهیم، باز می‌توانیم بگوییم که او به لحاظ موقعیت‌های فکری بیشتر در کنار حافظ آرامش می‌یابد. اما از نظر ساختارهای زبانی، اغلب با شاعران سبک هندی همدل است. هرچند، در این میان، گاه رگه‌هایی از زبان